

توقيع مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۳۲ خطاب به فارسان مضممار الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران

The Báb

نسخه اصل فارسی



فارسان مضممار الهی برادران و خواهران روحانی در کشور مقدس ایران علیهم اطیب التّحیّة والبهاء طرّاً ملاحظه نمایند

یا شرکائی فی احزانی و سلوقی فی کربتی و حرمانی جمال قدم و اسم اعظم ارواح الملائالأعلى لسلطنته الفداء شاهد و گواه است که از حین ارتحال ابهی ثمره شجرهء ازلیه و افول آن کوکب درّی افق عزّت ابدیه و فقدان آن شعاع لامع مصدر نور قدمیه بر این مغمور عنایات و تلطفات نامتناهیةاش در این اشهر معدوده چه وارد گشته و چه جراحاتی در اعماق قلب مهموم این واقعهء مؤله احداث نموده. روح از فرقتش در هیجان است و کبد از فوران نار شوق و محبتش سوزان. روی دلارایش را هر صبح و شامی چون بخاطر آرم و تبسمات جان افزایش را از نظر گذرانم و تلطفات و تعطفات یحّد و حسابش را یاد نمایم و مظلومیّت حیرت انگیزش را در پیش بصر مجسم سازم نیران حسرت شعله زند و اشک از دو دیده منهر گردد و زفرات قلب متصاعد شود و زمام اختیار از کف رباید و در البحر غم و الم بی منتهی غوطهور سازد. تشهدنی بذلک فی هذاالحین نفسها الطّیبةالزکیّة النّوّاء و روحها المشعّشة الطّاهرة الطّائرة فی جوّالعماء و النّاظرة عن خلف عرش الکبرياء علیّ و علی عشاق اسمها المحبوب بین العالمین.

یا سلیلهالبهاء ابکی علیک فی جنح اللیالی کبکاء الفاقدین و فی الاسحار اناجیک بلسان قلبی و کلّ جوارحی و ارکانی و اکرر اسمک المحبوب و انوح علی فقدانک و مظلومیّتک و بلایاک و عظیم حبّک ایّای و تحمّلت من البأساء والضراء والذلّة و الهوان و الهمّ و الغم خالصاً لوجه مولاک و شغفاً لحلفاء حبّک بین الخلائق اجمعین. کلّها اذ کرک و اشاهد وجهک البسیم فی منامی و اطوف حول رمسک الشّریف فی اللیالی والایّام یلتهب نیران الشّوق فی مهجّتی و احشائی وینصرم جبل اضطباری و تذرف دموعی و یضلم الدّنیا فی عینی و کلّها اتذکر ما اصابک فی اواخر ایّامک من الاتعاب و الحن و المکاره و الاسقام و اتصوّر ما یحیطک فی هذا الحین فی الحرم الأقصى فی بحبوّحه الفردوس حول خیام العزّ و الکبرياء من العزّة والرّخاء والنّعم و المواهب و الآلاء و ما انت علیه من القدرة و المجد و الجلال و الفرح و الظفر و الابتهاج یتخفّف ثقل احزانی و تنقشع غیوم اشجانی و تسکن حرارة لوعتی و ینطق لسانی شکراً لیدیک و مولاکء الذی خلقک و سوّاک و اجبتاک بین الأماء و سقاک من فیه الاعلی و کشف برقع السّترعن کینونک و جعلک المثل الاعلی لذوی قرابتک و نفحة قیصه للخلائق اجمعین . حیئنذ یتقویّ عزمی للسلوک فی منهجک و الاستقامة فی سبیل ولائک و الاقئداء بک و التخلّق بأخلاقک و اظهار ما کنت تیمّناه لنصرة هذاللمرّ الأوعر الأعزّ الأرفع المقدّس البدیع ان اشفعی لی تلقاء عرش الکبرياء یا شفیعة الوری فی الملائ الاعلی و انقذینی من غمرات الحزن و الأسی و قدری لی و لاجبتک فی ناسوت الانشاء



ORIGINAL

ما يكشف به كرينا و تطمئن قلوبنا و يخذ زفير عسراتنا و تقرّ اعيننا و تتحقّق آمالنا في الدنيا و الآخرة يا من اصطفاك الله بين طلعات فردوسه الأبهى و جعلك عزيزة في ملكه و ملكوته و ذكرك في الصحيفة الحمراء بذكر فاح به اريج المسك و تعطر منه مشام العالمين.

يا ورقه العليا اگر در هر دمی صد دهان بگشایم و در هر دهان صد هزار زبان ناطق سازم از عهدهء وصف و ثنای سجایای رحمانیه ات التي ما اطلع بها احد الا الله بر نیایم و نمی از یم مراحم و محبت بیکرانت را تعبیر و تقدیر نتوانم. بجز معدودی که بر اعلی رفارف قدس جالسند و در حرم اقصی حول عرش کبریا لیل و نهاراً طائف و از لب سنا از انامل جمال ابهی مرزوقند نفسی در این دنیای دنیّه کینونت مقدّسه طیبّه طاهره ترا نشناخته و روائع عنبرین خصال حمیدهات را که از منبع مشک سلطانی بر وجهت ایثار گشته کما ینبغی و یلیق ادراک ننموده و استنشاق نکرده. یشهدک الملائ الأعلی و عن ورائهم نفس الله المهيمنة على الارضين و السموات بأنک کنت مدی ایامک من بدو نشئتک الی خاتمة حیاتک مظهر صفات ابک العزیز الفرید و ثمره دوحته و سراج محبته و آیه سکینته و مظلومیته و سبیل هدایت و واسطه فیوضاته و نفحة قیصه و ملاذ احبائه و امائه و ردأ کرمه و فضله.

یا بقیة الأنوار و ثمره امر ربنا المختار بأفولک عن مغرب هذه البقعة الأحديّة المبارکة البیضاء قد بدّل یومنا باللیل و فرحنا بالفزع الاکبر بفقدانک ایضت اعیننا من الحزن بما تجددت تلك الفاجعة العظمی و الرّجفة الکبری مصیبت اخک الحنون و مولانا الشّفوق و لیس لنا من مهرب الانفثات روحک الطّاهرة النّوراء و لا من مأمّن الا شفاعتک لنا بأن یلهمنا صبراً من عنده و یقدّر لنا فی النّشأة الأخری اجر لقائک والوفود فی ساحتک و النّظر الی محیاک و الاقتباس من انوارک یا حوریة البهاء علیک من الثناء اطیبا و ازکیها و من الصّلوات اکملها و ابهاها . یا قرّة عینی و محبوبة فوادی فضلک علی کبیر لا یخفی و حبک ایای عظیم لا ینسی . طوبی الف طوبی لمن یحبک و یقتبس من انوارک و یشئ سجایاک و یعظم قدرک و تقیفی اثرک و یشهد لمظلومیّتک و یقصد مضجعک و یطوف حول رمسک الشّریف فی اللیالی و الاّیام. والویل والعذاب لمن یجاد شأنک و ینکر خصالک و ینحرف عن منهجک الواضح اللّائح المستقیم.

ای آشفتهگان آن روی دلارا شایسته و سزاوار آنکه در مجامع احبای الهی و اماء الرّحمان در کافّه بلدان و ممالک شرقیه این کلمات دریات و آیات بنیات که از قلم اعلی و کلک معجز شیم مبین کلمات الله در حق آن کنز ثمین ملکوت الله صادر گشته تخلیداً لذكرها المبارک الشّریف و اعزازاً لمقامها المنیع و حباً و شغفاً لجمالها الفرید کراراً و مراراً بکمال تأثر و توجه و خضوع و خشوع و تفرّس و تمعّن تلاوت گردد و أمنای مجلّهء محفل مرکزی اقلیم مقدّس ایران این آثار باهرات را در اقطار شرقیه بواسطه محافل روحانیّه بکمال سرعت و اتقان منتشر سازند و هذه موهبة عظمی قد قدّرت لامناء احبائه الاتقیاء فی موطنه الشّریف جزاهم الله خیراً فی ملک و ملکوته.

و آن کلمات اینست. قوله عزّ بهائه و جلّت قدرته و بیانه

" هو الباقی کتّاباً من لدنا للتي سمعت و فازت و انها تورقت من هذا لأصل القديم ظهرت باسمی و ذاقت رضائی المقدّس البديع سقیناها مرة من فی الاعلی و اخری کوثری العزیز اللّیع علیها بهائی و عرف قیصی المنیر " و ایضاً میفرماید " یا ایّها الورقة المبارکة النّوراء غنی و تغنی علی افنان دوحه البها هذه الكلمة العليا انه لا اله الا هو ربّ الآخرة و الاولى. قد جعلناک من خیرة الاماء و اعطیناک مقاماً لدى الوجه الذی ما سبقته النساء کذلک فضلناک و قدّمناک فضلاً من لدن مالک

العرش و الثرى. قد خلقنا عينك لمشاهدة انوار وجهي و اذنك لأستماع آياتي و هيكلك للقيام لدى العرش ان اشكرى ربك مولى الورى ما اعلى شهادة السدرة لورقتها والدوحة الاحدية لثمرتها بذكري آياها تضوع رائحة المسك طوبى لمن وجد وقال: لك الحمد يا ربى البهى الأبهى و ما اعلى حضورك لدى الوجه و نظرى اليك و عنايتى اليك و فضلى عليك و ذكرى آياك فى هذا اللوح الذى جعلناه آية عنايتى لك فى السر و الاجهار.

در الواح عديده كه از مخزن جود و كرم مركز ميثاق بها حضرت عبدالهأ مخاطباً للورقة المباركة العليا صادر و نازل اين كهلمات تامات و بيانات عاليات مدون و مسطور و بأثر كلك اطهرش مشبوت و محفوظ. قوله الأحدى : ايها الشقيقة العزيزة الروحانية شب و روز بيد تو هستم و چون بخاطرم گذرى تأثر اشتداد يابد و تحسر تزايد جويد. غم مخور غمخوار تو منم محزون مباش مأیوس مباش محصور مباش اين آيام بگذرد و انشاءالله در ظل جمال مبارك در ملكوت ابهى جميع اين غصه ها را فراموش ميكنيم و جميع اين طعنها بتحسين جمال مباركش تلافى ميگردد تا دنيا بوده است حزن و اندوه و حسرت و حرقت نصيب بندگان الهى بوده قدرى فكر كن بين هميشه چنين بوده است لهذا دل بالطاف جمال قدم خوش كن و خوش باش و مستبشر باش يا شقيقتي الشقيقة در شب و روز بيد تو مشغولم آنى از خاطرم نيمروى فى الحقيقة بجهت خود ابدأ متأسف و متحسر نيستم ولى هر وقت ملاحظه صدمات شما را مينمايم بي اختيار اشك از چشمم ميريزد....

ايها الشقيقة الروحانية در شب و روز بدرگاه احديت عجز و نياز كنم و ناله و فغان نمايم كه اى پروردگار مهربان آن ورقة طيبة طاهره را بنفحات قدس تسلي بخش و بنسائم انس تصدى ده بايات ملكوت تمكين عنايت فرما وبه بنيات جبروت تفرج احسان كن. اى خداوند آن غمگين را انيس ياد رويت فرما و آن محزونه را بأسرار مكنونت مأنوس كن و بتجليات انوار احديت مألوف نما. از هر جهت اسباب احزان بجهة او ميباست و از جميع وجوه وسائل حسرت موجود و بى منتها در هر آنى عنايتى كن و در هر دمى فضل و موهبتى فرما ابواب رجا از جميع جهات مسدود باب الطاف بگشا و راه اميد از هر طرف مقطوع شاهراه احسان جديد بنما. توئى كريم و مهربان توئى معين و صاحب احسان

يا شقيقة روحى و فوآدى خبر وصول بمصر و حصول راحت رسيد نهايت روح و ريحان حاصل گرديد حمد جمال قدم را كه چنين عنايتى فرمود كه قدرى وجود مبارك صحت و عافيت يافته . و قلوب احباب آن ديار مسرور و شادمان شده. اگر از احوال اين بنده آستان جمال ابهى پرسي شكر حضرت احديتش را كه بنفحات عنايت مشامى معطر دارم و بفضل و موهبتش دلى خرم. تأييدتش چون شعاع ساطع آفتاب پى در پى ميرسد و جنود ملكوتش مستمراً نصرت مى نمايد حالت جسمانى و صحت بدنى نيز بهتر است. اخبار عظمت امر و نفوذ و انتشارش الحمدلله از جميع جهات ميرسد.... ايها الشقيقة الروحانية دقيقه اى از يادت فارغ نيستم. اگر چه دوريم ولى نزديكيم. دريك محفليم و دريك منزل چه كه كل در خيمه الهى هستيم و در قباب عنايت حضرت نامتناهى.... يا شقيقتي الشقيقة الروحانية از فضل و عنايت حضرت احديت اميدوارم كه در ظل حمايت جمال مبارك محفوظ و مصون بوده و هستيد. در شب و روز رويت در مقابل و خويت مركز خاطر است. خطاباً بحرم مى فرمايد: " حضرت اخت را بجان و دل و روح و قلب و فوآد مشتاق و در ليل و نهار در حقيقت جان و وجدان مذكور و از فرقتش نتوانم ذكرى كنم زيرا آنچه نويسم البته از عبرات محو خواهد شد ."

بورقة مبار كه اين سفارش بخط مبارك مرقوم و مسطور:

" ای ضیاء در این سفر باید با دلی خرم و روح و ریحانی محکم همدم حضرت شقیقه باشی شب و روز بکوش و بجوش و بخروش که سبب سرور قلب مبارکش گردی چه که در مدت حیات دمی نیاسود و در جمیع عمر آرام نگرفت و چون پروانه حول شمع الهی پرواز مینمود جانی افروخته داشت و دلی از حرارت محبة الله سوخته . " انتهى .

یا انصار الله و هداة خلقه دیده گریانم در این مصیبت جدیده بسوی یاران ممتحن حقیقی جمال قدم در آن کشور مکرم که در این ماتم کبری شریک و سهیم این عبدند متوجه و دل غمینم از آن ناحیه قصوی بشارت ظهور طلائع نصرت جند بها را مشتاق و منتظر تا کی از افق آسمان بهمت آن فوارس مضممار انقطاع و باسلان میدان امتحان تباشیر عصر موعود طالع و لائح گردد.

ثقل فادح احزان که در این اوان این عبد ناتوان متحمل است جز بدست عزیزان ایران تخفیف نیابد و عقده غوم و آلام را جز سرنبجه همت و غیرت و فعالیت و روحانیت و شہامت آن باسلان میدان خدمت نگشاید. سطوع اشعه تأیید از افق نور غیوم هموم را متلاشی نماید و مرده استقامت و یگانگی و تعاون و جانفشانی سگان آن اقلیم جروحات قلب کتیب را مرهم نهد. مردان دلاور لازم که مانند متقدمین و مؤسّسین این امر نازنین در آن سرزمین منقطعاً عن العالمین جان بر کف گذاشته بکمال تقدیس و تنزیه و بهمتی بدیع و عزمی منیع و استقامت و شہامتی عجیب در اکثاف و اطراف آن صقع جلیل مبعوث گردند و منتشر شوند و گوی سبقت را در میدان همت و جانفشانی از پیروان امر الهی در آفاق غریبه که به تبشیر دین الله مشغولند بریابند. در بین هموطنان خویش بقوه اسم اعظم چنان صولت و شجاعتی نمایند و حکمت و متانتی ابراز فرمایند و ثبات و استقامتی اثبات کنند و روح تعاون و تضامنی در جامعه ظاهر نمایند و روائح عطریه عشق و خلوص و عبودیت صرفه محضه حقیقیه را چنان منتشر سازند که کلّ شهادت دهند که از پیشینیان پیشی گرفته لیاقت و استعداد کامل از برای استفاضه از اشعه تأیید که در این عصر فیروز از ممکن اعلی و عرش بها باشد اشراق بر عالمیان ساطع است اکتساب نموده اند با برادران و خواهران روحانی خویش که در این ایام در چهل اقلیم از اقالیم عالم بنصرت امر اسم اعظم مشغول و مألوفند بروابطی معنویّه مرتبط گردند و چون بنیان مرصوص لا تزعزعہ عاصفات الشرک و لا قاصفات الامتحان اعمده مجلله مدنیّت سرمدی الآثار حضرت بهاء الله را که حال بتأیید من عنده و هداية من لدنه منصوب گشته از سیل جارف انقلابات متزایده متنوعه کونیّه محافظه فرمایند. کنفس واحده مجاهده نمایند و آرام نگیرند و بر طبق وصایای حضرت عبدالهء جواهر الأرواح لعظمتہ و قدرته الفداء ترک موطن اصلی خویش نمایند و جبل تعلقات را بکلی بریده بأقالیم و ممالک باقیه که تا بحال بنور عرفان این امر گرانها مشرف و مفتخر نگشته مہاجرت نمایند و سرگشته آن دیار و بلاد گردند. در سلک نفوس شجیعه مقتدره زکیّه محشور گردند که در حق آنان لسان عظمت می فرماید : " ولله خلف سراق القدس عباد یظہرون فی الارض و ینصرون هذا الأمر و لن یخافن من احد و لو یحاربن معهم کلّ الخلائق اجمعین و یصبحن بصیحة تتمیز منها الصدور و یظہرون بسطوة یأخذ الخوف سگان الأرض علی شأن کلّهم یضطربون و یشقن الشعر بالشعر ولن تمنع ابصارهم حجات العالمین "

بيازوی اقتدار از گنجینه اسرار در و لثالی حکمت الهیه را بر جمهور اغیار ایثار فرمایند و کتب و آثار قیمه امریه که بمتجاوز از بیست لغت ترجمه و طبع گردیده در بسیط غبراء منتشر سازند. نعره سبحان ربنا البهی الابهی سبحان ربنا العلی الاعلی را در بین ملل و نحل و قبائل و طوائف چنان از دل و جان برآرند که از مہابت فریادشان عالم کون بأهتزاز آید و قلوب منجمده بنار محبة الله مشتعل گردد. کوس اعظم را در اعلی المقامات بانامل قدرت بکوبند و افتده سلاطین

ذوی الأقتدار را بمغناطیس عشق جمال ابهی بریایند امرا و وزرا و وكلا و نقبای هر ملتّی را در سلک حزب مظلوم در آورند و متكبران و مغروران را خاضع و اسیر زلف عنبر افشان محبوب اعلی گردانند. از هر رنگ و آرزوی پاک و مقدّس سازند و بصیغ الله که مبرّا و منزّه از همه رنگهاست فائز نمایند. علمای رسوم را از سبات عمیق و کابوس ثقیل بیدار نمایند و از حسیض ذلّت و قیود اسارت نجات دهند و بمیاه شفقت بی منتی متنبّه و مجذوب امر منتقم قهار گردانند. صلاى : " هیّوا بنا یا معشر الأمرین هذه انوار الشمس الّتی احاطت بظهورکم و یمینکم و یسارکم و فوقکم و تحتکم و جنوبکم و شمالکم " در قطب عالم بلند نمایند و علم یا بهاء الابهی را بر اعلی قلل جهان منصوب سازند. مخودان را بنار موقده برافروزند و محرومان ناسوت را که در بعدا بعدند بیساط قرب کشانند و محرم اسرار الهی نمایند و در ظلّ سرپرده وحدت عالم انسانی مجتمع سازند. درمندان را دریاق فاروق دهند و مغمومان را از عوارض و کدورات عالم طین برهاند. مایوسان را بظهور اسم اعظم و حلول قرن ذهبی جمال قدم بشارت دهند و در این ظلام دیجور حشر و نشوری بر پا نمایند که شلیک سرور از نزدیک و دور بلند گردد. صوت تهلیل و تکبیر باوج اثیر رسانند و هلهله کثان مژده بعالمیان دهند که:

هله عاشقان بشارت که نماند این جدائی برسد زمان وحدت بکند خدا خدائی یا حزب الله فی المدن و الدیار. همت لازم است همت. البدار البدار وقت تنگ است درنگ منمائید. میدان خدمت مهیا فرصت گرانبها را غنیمت شمردید. کتّاب تأیید و فیالق توفیق بأمر سلیمان سریر ملکوت حول عرش کبریا صف بسته کلّ مستعدّ خروج و نزول و هجومند . حیف است آنی تأمل و تردّد را جائز شمردیم. واقعه‌ها در پیش است و دشمنان پر کین امر بها از پس. مسامحه و مساهله مغلّ در نظم امرالله و علّت ازدیاد بطش و صولت و جرأت و جسارت اعدای دین الله. یوم یوم قیام است و زمان زمان استقامت بر امر مالک انام. دور دور بهائیان ایران است و کور کور ظهور غلبه امر حی لا یموت در آن سامان. این کلمات عالیات را که از کلک گهر بار مبین آیات بینات صادر پیاد آرید. قوله الاحلی : " لعمرالله روح القدس ینفث فی فکم و روح الامین یلهمکم فی قلبکم و شدید القوی عن یمینکم و جنود التّأیید تسعی عن شمالکم " .

ای برادران و خواهران روحانی ایّام در گذر است تا وقت باقی جهدی باید که بآنچه شایسته و سزاوار این قرن انخفم اعزّ امنع مشعشع الهی است موفق و مفتخر گردیم. حضرت عبدالها میفرماید : " الیوم حقائق مقدّسه ملأ اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع باین عالم می نمایند تا موفق بخدمتی باستان جمال ابهی گردند و بعبودیت عتبه مقدّسه قیام کنند " هلهوانا یا ملأ البهاء علی نشر هذه الأنوار و خرق الأجباب و الأستار و کشف الرموز و الاسرار و جذب افئدة اولی السطوة و الاقتدار و رفع الویه الاستقلال فی المدن والدیار و اظهار خفیّات شریعة ربنا البهی المختار بسطوة و شجاعة و وقار تتجبر منها طلعات الفردوس فی اعلی الغرفات و عن ورائهن تلك الورقة البهیة المحبوبة العلیا ثمرة دوحه البهاء و عرف قیصه للعالمین. ایها المجاهدون فی سبیل الله و المختارون فی ملکوتہ اعظم فرائض حتمیه دینیّه موكوله مرجوعه که در این ایّام در رتبه اولی از تکالیف مبرمه اولیه وجدانیّه امنای امرالله و ممثّلین جامعه پیروان دین الله و مروّجین شریعت الله است و در مقام ثانی از واجبات مقدّسه افراد جامعه در موطن اصلی جمال قدم و اسم اعظم است و از مقدّمات و تمهیدات ضروریّه تأسیسات بین المللی آینده و تشکیل بیت عدل اعظم الهی و استقرار آن در ارض مقدّسه و تنفیذ دستورات باقیّه منصوبه در کتّاب وصایا است و باید باین ترتیب متدرّجاً اجرا و تنفیذ گردد اینست :

۱- تسریع و اهتمام بلیغ در تهیه احصائیه صحیح دقیق کاملی از کافّه مؤمنات و مؤمنین آن اقلیم از سنّ بیست و یک و مافوق آن و ارسال آن من دون تعویق و تعطیل بواسطه امنای محفل مرکزی طهران بأرض اقدس در این مشروع خطیر لازم و واجب است که جمیع مراکز امریه از مدن و قری حتّی نقاطیکه محافل محلیّه در آن هنوز تأسیس نگشته و عده مؤمنین به نه (۹) بالغ نشده کلّ من دون استثناء بکمال جدّیت و متانت مشارکت نمایند. تأخیر و تهاون و تراخی را دقیقه‌ای جائز ندانند و در اظهار عقیده و ثبت اسماء خویش در سبجل محافل روحانیه مسامحه ننمایند و غفلت نورزند. و همچنین باید امنای محافل روحانیه که حافظ و حارس جامعه‌اند نفوس سلیمه مخلصه مؤمنه را از مدعیان محبت و انفس شریره مفسده مغرضه تمیز دهند و بکمال فطانت و متانت و استغناء سلوک نمایند و ذیل پاک امرالله را از مآرب نوهوسان و کید مفسدان و مشتهیات اهل طمع و عدوان ملوث و مغبر نسازند و نتیجه احصائیه را بعد از تدقیق و اکمال در پاکتی نهاده مختوماً بعنوان امنای محفل مرکزی بطهران ارسال دارند و نسخه‌ای از آن در سبجل محفل محلی ثبت و حفظ نمایند.

۲- تعیین عدد و کلای جمهور بهائیان ایران باید امنای محفل مرکزی طهران پس از مشاوره و مخیره با این عبد عده و کلای هر قسمتی از قسمتهای امریه آن سامان را بکمال دقت تعیین و اعلان نمایند و عده و کلا در هر قسمتی باید بالنسبه بعدد مؤمنین و مؤمنات آن قسمت باشد و مجموع و کلا از نود و پنج (۹۵) تجاوز نمایند و در وقت حاضر هیئت و کلا باید محصور بمؤمنین باشد و چون حجاب بالکلیه مرتفع گردد نساء با رجال در عضویت این هیئت و محفل ملی روحانی هر دو مشارکت خواهند نمود.

۳- عقد مشورت و تبادل آراء بکمال دقت بین اعضای انجمن شوروی روحانی که در رأس هر سنه بهائی در ایام رضوان طهران منعقد میگردد در ایجاد وسائل و رفع موانع و تأمین موجبات انتخاب هیئت و کلا و اجتماع اکثریت آن هیئت منتخبه مجلله در هر سنه در عاصمه مملکت و نظر در شئون داخله روحانیه جامعه و ازدیاد روابط معنویه در بین عناصر متنوعه و انتخاب امنای محفل ملی روحانی بهائیان ایران از بین عموم مؤمنین در آن سامان.

۴- اقدام بکمال نشاط و حزم و متانت از طرف جمهور مؤمنین و مؤمنات آن اقلیم بانتخابات ملیّه در جمیع قسمتهای امریه. باید مؤمنین و مؤمنات از سنّ بیست و یک و مافوق آن در هر سنه‌ای و در هر قسمتی علی حده بکمال توجه و همت و دقت و کلای خویش را از بین مؤمنین آن قسمت راساً انتخاب نمایند. چنانچه از قبل تاکید گشته باید کلّ مشارکت نمایند و نگاره نگیرند و استعفا ننمایند و کلّ بدانند که انتخاب در جامعه بهائیان سری و عمومی و آزاد است و از تدابیر و تشبّثات و مفاصد و مکاره اهل دسیسه و عدوان بکلی منزّه و مبرا و آنچه از تفرّعات کیفیت این انتخاب محسوب راجع بامنای محفل مرکزی طهران است که بر حسب اقتضای زمان و مکان آنچه موافق مصلحت امرالله و مطابق اصول انتخاب که در این اوراق مصرّح است دستوری عمومی و کافی از قوانین متفرّعه در بین یاران انتشار دهند و رسماً بمحافل محلیّه ابلاغ نمایند و مواظبت و اهتمام تامّ در تنفیذ و اجرای آن مبذول دارند.

۵- اجتماع و کلای منتخبه بهائیان ایران در عاصمه مملکت و مذاکره تامّ و مشورت دقیقی در بین اعضای هیئت و کلای جامعه. باید در کمال تفرّس و اتقان و خلوص نیت در امور تدبّر نمایند و بهر وسیله‌ای تشبّث کنند و در ایجاد وسائل انتخاب و اجتماع امنای محفل ملی روحانی بهائیان ایران همت بگذارند بخوی که اکثریت اعضای محفل ملی که عدد آن در این ایام به نه (۹) منحصر گشته مرتباً در نقطه‌ای مجتمع گردند و بمهام امور امریه پردازند و اگر چنانچه حکم

اکثریت هیئت وکلا بر آن قرار گرفت که تشکیل محفل ملی روحانی و اجتماع اکثریت اعضای آن مرتباً ممکن و میسر است بکمال حزم اقدام بانتخاب آن محفل مجلل ملی روحانی نمایند.

۶- مباشرت بانتخاب اعضای اولین محفل ملی روحانی بهائیان ایران . باید هیئت وکلا که منتخبین جمهور بهائیانند در اجتماعی که اقلاً شصت نفر از آنان در مدینه طهران در حظیره القدس مرکزی راساً و مستقیماً از بین عموم مؤمنین ساکنین آن اقلیم اعضای محفل ملی روحانی را انتخاب نمایند و اما وکلای که از حضور در این جلسه ممنوع و محروم گشته‌اند البته باید رای خویش را کتباً بمرکز اجتماع ارسال دارند زیرا مشارکت آنان نیز در انتخاب اعضای محفل ملی لازم و واجب. هیئت وکلا منتخبین اولند و اعضای محفل ملی روحانی منتخب منتخبین. اعضای این هیئت مجله را که از اعمده بیت عدل اعظم محسوب و من بعد به بیت عدل خصوصی اقلیم ایران موصوف و معروف خواهد گشت افراد جامعه راساً انتخاب نمایند و محافل محلیه و این عبد را نیز بهیچوجه من الوجوه حق مداخله‌ای نبوده و نیست. زیرا اولین وظیفه وکلای جامعه است که باید راساً اعضای محفل ملی روحانی را از بین مؤمنین ساکنین آن اقلیم انتخاب نمایند.

۷- تعیین و انتخاب اعضای لجنه‌های امریه مرکزی که از وظیفه امنای محفل ملی روحانی ایران است. اعضای این محفل باید از بین جمهور مؤمنین در ایران اعضای لجنه‌های مرکزی را نوعی انتخاب نمایند که اجتماع اعضای منتخبه بکمال سهولت تحقق پذیرد و مشکلات و موانعی فراهم نگردد.

۸- وضع نظامنامه ملی بهائیان ایران و قانون اساسی جامعه پیروان امر حضرت رحمن. این دستور باید من تمام الوجوه مطابق دستور محفل ملی روحانی بهائیان امریک باشد که ترجمه‌اش در سبجل محفل مرکزی طهران موجود و مثبت است. ارسال نسخه‌ای از این نظامنامه محفل ملی روحانی ایران بأرض اقدس بعنوان این عبد البته لازم تا پس از تدقیق و تعدیل بطهران ارسال گردد و در سبجل محفل ملی روحانی ثبت شود و بین محافل محلیه منتشر گردد و بتصویب و تصدیق آنان برسد.

۹- تقدیم نظامنامه ملی جامعه بهائیان ایران بأولیای امور در مدینه طهران. نص این دستور را باید امنای محفل ملی روحانی که نماینده افراد بهائیان و محافل محلیه آنانند بکمال شجاعت و اطمینان و ادب و وقار تقدیم و تسلیم ولایه امور نمایند و در کمال حزم و متانت صدور اعتبار نامه رسمی از دولت قاهره تمنا و استدعا کنند و اگر چنانچه تسجیل هیئت محفل ملی بهائیان ایران در دوائر دولت بعنوان هیئت دینی مستقل مشروعی ممکن و میسر نه محفل خویش را موقتاً نظیر شرکتهای تجاری و صناعی مشروعه معتبره آن مملکت در سبجل حکومت ثبت نمایند و وسائل انتقال عقار و مسققات که وقف امرالله گشته بنام این هیئت در دوائر ثبت اسناد مملکت فراهم آرند.

۱۰- تأسیس اوقاف بهائی در عاصمه مملکت و ایالات و ولایات آن. آنچه را یاران الهی و اماء الرحمن در ایران عقار و مسققات وقف امرالله نمایند و از موقوفات ملیه آن مملکت شمرند باید قبالة آن کل من دون استثناء باسم امنای محفل ملی بهائیان ایران ثبت گردد و انتقال یابد و در تحت تصرف اعضای آن هیئت باشد و عایدات آن راجع بصندوق خیریه مرکزی آن محفل است. احدی را حق مداخله و تصرف در آن نبوده و نیست.

۱۱- اقدام بتشکیل شعبه‌های محفل ملی روحانی ایران در ارض اقدس و ایالات متّحده و اقطار سائر در شرق و غرب عالم بهائی. در این سنین اخیر محفل ملی روحانی بهائیان امریک پس از وضع نظامنامه و قانون اساسی جامعه بهائیان آن اقلیم و کسب اعتبار نامه رسمی از اولیای امور در عاصمه مملکت ایالات متّحده نصّ دستور را که بأمضای وزیر خارجه حکومت امریک مزین و بمهر دولت ممهور است بأرض اقدس ارسال نموده و پس از مفاوضات رسمیّه باولاة امور در ارض اقدس شعبه‌ای از آن محفل مجلّ مقدّس روحانی که در نظر حکومت فلسطین معتبر و مشروع است تشکیل و تأسیس گشته و قطعه زمینی که در جوار مقام اعلی واقع و بأبتیاع آن احبّای الهی و اماء الرحمن امریک مفتخر گشته‌اند و وقف امرالله نموده‌اند باسم آن هیئت محترمه در دائره ثبت اسناد حکومت فلسطین تسجیل گشته و انتقال یافته و حال این عبد مشتاق و منتظر است که یاران حقیقی جمال قدم در آن کشور مکرم بدالت و قیادت امنای محافل روحانیّه خویش بتشکیل اولین محفل ملی روحانی و بیت عدل خصوصی در آن سامان و کسب اعتبار نامه رسمی و تأسیس شعبه‌ای از آن محفل روحانی نورانی در ارض اقدس مؤید و مفتخر گردند تا آنچه را وقف مقام اعلی نموده‌اند و قبالة آن چندی قبل بطهران ارسال گشته باسم هیئت امنای محفل ملی روحانی بهائیان ایران ثبت و منتقل گردد. هذا ما اتمناه لكم يا احبّاء البهاء و اودائه و صفوته بین بریته و انه هو المؤید الناصر الهادی الشاهد الخیر.

۱۲- بذل همت در تأسیس شعبه‌ای از محفل ملی روحانی بهائیان امریک در خطّه ایران و انتقال بعضی از مواقع متبرّکه و اماکن تاریخیّه آن سامان باسم آن هیئت محترمه که گوی سبقت را در این میدان از همگان ربودند و اوقاف بهائی در اقصی الغرب ببازوی اقتدار تأسیس فرمودند و باین موهبت عظمی مؤید و مفتخر گشتند.

۱۳- اقدام محافل روحانیّه محلیّه ایران در وضع نظامنامه محلی و کسب اعتبار نامه رسمی از اولیای امور مدینه خویش و تأسیس اوقاف محلی بر حسب دستور محفل ملی روحانی بهائیان آن اقلیم باید نوعی اقدام گردد که در اصول این نظامنامه‌های محلیّه امریه بتماها مطابق و مؤید یکدیگر باشند اگر در امور فرعیّه اختلاف و تفاوتی موجود بآسی نه زیرا از امور اساسیّه اصلیه محسوب نه و تنوع در امور فرعیّه محبوب و مقبول. باید محفل ملی روحانی اصول را تعیین و تشریح نماید و فرع را از اصل تمیز دهد و تفریق نماید و آنچه را آن هیئت بأکثریّت آراء قرار دهند و تصویب نمایند افراد و محافل محلیّه کلّ باید مطیع و منقاد گردند و بدل و جان در تنفیذ و تطبیق و ترویج آن سعی بلیغ مبذول دارند.

۱۴- و چون بتأیید من الله و هداية من لدنه عزیزان اقلیم ایران باین اقدامات مهمّه ضروریّه و مشروعات جلیله و تأسیسات ملیّه و محلیّه و مقدّمات اساسیّه مؤید و موفق گردند باید امنای مجلله محفل ملی روحانی آن اقلیم مجمعی بیارایند و در حضور اکثریّت هیئت منتخبه و کلاهی بهائیان آن سامان بحبل مشورت تمسک جویند و تصمیمات لازمه اتخاذ نمایند و بتدابیر متقنه و وسائل فعاله تشبّث کنند و بقدر امکان با محافل محلیّه ایران در تبادل آراء و تحقیقات لازمه سعی موفور مبذول دارند و در تهیّه تمهیدات و مقدّمات انتخابات بین‌المللی بهائیان عالم که نتیجه‌اش تشکیل بیت عدل اعظم الهی و استقرارش در جوار مقامات متبرّکه ارض اقدس است کما ینبغی و یلیق اقدامی سریع نمایند و این محفل ملی روحانی آن کشور مقدّس که از اعمده مجلله بیت عدل اعظم الهی محسوب و رکن رکن آن قصر مشید است باتفاق محافل ملی روحانی ممالک شرقیه و غربیه عالم بهائی بانخاب بین‌المللی مباشرت نموده بکمال جدیّت و توجّه و انقطاع بأسلوبی بدیع و حزم و متانتی بی مثل منقطعاً عن الجهات طالباً هدايته و مستمداً من فیوضاته و متمسکاً بحبل احکامه و تعلیماته از بین جمهور مؤمنین در شرق و غرب و جنوب و شمال رجال بیت عدل اعظم الهی را انتخاب فرمایند.

عند ذلك تتحقق آمالنا وثمر شجرة مجهوداتنا و تتمكّن وصاياء محبوبنا و مولانا و تتجلى خفياّت امر ربّنا و الهنا و تنكشف امام
اعيننا و ابصارنا فاتحة عصر لن ترشبه القرون الأولون . هذا اعظم رجائي منكم و بلاغ منّي اليكم ان انتم تقبلون

٢ شهرالمسائل ٨٩

١٣ دسامبر ١٩٣٢

بندهء آستانش شوقى